

۲۰۰۰

۱

۵۲۸

باقی

101

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketaboo.ir



تقدیم به فرماندهی گمنامی که آرزوی شهادت در دلش
شعله می کشید و به برکت نامش گرد هم آمدیم...

خط مقدم

روایتی داستانی و مستند از تشکیل یگان موشکی ایران
با محوریت زندگی شهید حسن طهرانی مقدم



شناسنامه

انتشارات
شهید
کاظمی

خط مقدم

نویسنده: آیت‌الله غفار حدادی | پژوهشگر: محمد حسین بیگانی
ویرایش فنی و ادبی: محمد قاسمی پور
تألیف: مشاور تألیف: علیرضا اشتری
مدیر هنری: محمد حسین مؤیدی | نشر: شهید کاظمی
شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۸۵۷ - ۵
چاپ: اول، ۱۴۰۰، ۱۰۰۰، قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

سرشناسه: غفار حدادی، فائز، ۱۳۶۲ - | عنوان و نام پدیدآور
خط مقدم: روایت داستانی مستند از تشکیل گمان موشکی ایران
با محوریت زندگی شهید حسن طهرانی مقدم، نویسنده فائزه
غفار حدادی؛ پژوهشگر محمد حسین بیگانی وضعیت ویراست:
ویراست ۲. مشخصات نشر: قم: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۵۲۸ ص: مصوبه: ۲۱/۵×۱۲/۵
س.م. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۵۷-۵-۵ | وضعیت ثبت کتاب:
نویسی: فیبا | یادداشت: ویراست‌های قبلی: حاضر در
سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت چاپ و منتشر شده
است. | عنوان دیگر: روایت داستانی و مستند از تشکیل یگان موشکی
در ایران با محوریت زندگی شهید حسن طهرانی مقدم. | تاریخ:
طهرانی مقدم، حسن، ۱۳۳۸-۱۳۹۰. | موضوع: سرداران -- ایران
موضوع: Iran -- Generals | موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری
اسلامی، ۱۳۵۸ - -- شهیدان | موضوع: Iran -- History
Islamic Republic، ۱۹۷۹ - -- | موضوع: Martyrs، شناسه افزوده: بیگانی،
محمد حسین | زده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷/۶۷۱۳۸۶ ط/۱۶۶۸ DSR | زده
بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۵۰۹۲ | شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۳۱۱۴۴

دفتر مرکزی نشر رو پخش

قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، فروشگاه ۱۳۱

شماره تماس: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۸۴۴ - ۶

www.manvaketab.ir

سامانه پیام‌کوتاه: ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱



Instagram: nashre_shahid_kazemi

Telegram: @Nashreshahidkazemi

تمامی حقوق برای نشر شهید کاظمی محفوظ می‌باشد.

۷	مقدمه
۱۱	نقش خط
۱۵	خط اول (خط از آخربه اول)
۵۱	خط دوم (خط از نقطه مبدأ)
۷۵	خط سوم (خط همگی به نقطه)
۱۳۹	خط چهارم (خط سه به لیبی)
۱۸۷	خط پنجم (خط آمد و رفت)
۲۲	خط ششم (خط شروع)
۲۵۷	خط هفتم (عبور از خط قرمز)
۲۷۹	خط هشتم (خط عمودی)
۳۱۹	خط نهم (خط کرمانشاه-بغداد)
۳۵۵	خط دهم (خط معکوس)
۳۹۵	خط یازدهم (خط میانبر)
۴۴۱	خط دوازدهم (خط نزولی)
۴۶۹	خط سیزدهم (خط ققنوسی)
۵۱۹	آلبوم تصاویر

اغلب زندگی‌ها ناصاف‌اند، بالا و پایین دارند، درّه و تپّه می‌شوند، دور می‌خورند، گاهی برمی‌گردند سر جای اولشان. گاهی هم بعد از اوج و فروزها به نقطه‌ای مقبولی می‌رسند؛ اما گاهی زندگی بعضی‌ها طوری اوج می‌گیرد که قدما به دیدن نقطه‌ی بالایی‌اش نمی‌رسد.



خط زندگی حسن طهرانی مقدم پراز حادثه است. پراز بالا و پایین‌های ناگهانی و حساس. پراز موانع پیچیده. پراز «نمی‌توانی»‌ها و دیگر «نمی‌شود»‌ها. پراز جمله‌ی «اینجا دیگر آخر خط است.» پراز سنگ‌هایی که جلوی پایش افتاده و موانعی که جلوی راهش سبز شده؛ اما همه را گذرانده. هیچ‌وقت نایستاده و توقف نکرده است. هیچ‌وقت شیبش منفی نشده و هیچ‌وقت برای بالا رفتن، بر دیگران سوار نشده. همین‌ها بوده که خدا هم انگار به خط زندگی‌اش برکت داده. هرچه به انتها نزدیک‌تر شده، خط زندگی‌اش هم مثل مرکب اوج گرفته و بالاتر رفته. آن قدر بالا که قدما به دیدن نقطه‌ی بالایی‌اش نمی‌رسد.

این کتاب برشی است مستند از میانه‌ی خط زندگی حسن طهرانی مقدم به دور از تخیل و رؤیاپردازی‌های نویسندگی. از مرداد سال ۶۳ تا دی سال ۶۵: مقطعی که اتفاقاً پُر است از حادثه و موانع پیچیده. پُر از «نمی‌توانی»ها و دیگر «نمی‌شود»ها. پُر از جمله‌ی «اینجا دیگر آخر خط است.»

چند خطی به عنوان مقدمه‌ی چاپ جدید:

روزی که تهران از رفتن حسن آقای طهرانی مقدم به خودش لرزید، من تهران نبردم. حتی ایران هم نبودم. خبر را با چند روز تأخیر خواندم و چون ایشان را نمی‌شناختم، فاتحه‌ای فرستادم و رد شدم. چند ماه بعد که برگشتم ایران، به واسطه‌ی کتاب قبلی‌ام که برای شهیدی از مجموعه‌ی موشکی نوشته بودم - دعوت به این کار شدم. کار برای شهیدی که نمی‌شناختمش. شاید برای نوشتن زندگی‌نامه‌ای کوتاه که در اولین سالگرد شهید چاپ و توزیع شود. اما ماجرا پیچیده‌تر از این حرف‌ها بود. هر دوشنبه که می‌مان خانوادگی طهرانی مقدم می‌شدم و هر روز که مصاحبه‌های انجام شده با دوستان و هم‌زمان را می‌خواندم، بیشتر به این نتیجه می‌رسیدم که من و حسن آقا حالا حالاها همسفریم و کاری هم به سالگرد و این‌ها نداریم! برای جمع‌آوری اطلاعات و انجام مصاحبه‌ها، برادر بزروارم جناب آقای پیکانی نُه سال زمان گذاشته بود؛ یعنی سال‌ها درباره‌ی تولد و بالندگی موشکی تحقیق کرده بود و بعد از شهادت حسن آقا هم با همه درباره‌ی او حرف زده بود. نام‌نصفانه‌ترین کار همین بود که من به عجله و شتاب قلم را به نمی‌از این دریا خیس کنم و روی

کاغذ بکشم؛ لذا نافرمانی پیشه کردم و ماجرای سالگرد را بی خیال شدم و برای اینکه ذهن خواننده را با روایت تمام عمر پنجاه و دو ساله و پربرکت حسن آقا به نسیمی از وجود ایشان مهمان نکنم، فقط دو سال از زندگی اش را انتخاب کردم.

شاید بتوانم دست مخاطبم را بگیرم و نزدیک تربیرم تا با هم در ساحل این زندگی قدم بزنیم. آن قدر نزدیک بشویم که گاهی موج های بلندش باهای تفکر و تصمیممان را هم خیس کند.

کتاب را که نوشتم، دیدم که فقط دو سال از زندگی یک نفر نیست. داستانی است واقعی از تلاشی دسته جمعی و جهادی در روزهای ناامیدی و بهرمان. نسخه ای که برای همه ی اعصار و همه ی ملت ها قابل استفاده است.

نگارش کتاب بیش از یک سال طول کشید و قبل از چاپ خیلی ها آن را خواندند. بارها با نظرات افرادی که در پیشبرد داستان کتاب دخیل بودند، ویرایش شد و عاقبت سال ۹۳ توسط انتشارات «تعالی اندیشه» به چاپ رسید. با مشکلاتی که پیش آمد، سال ۹۲ انتشارات «منظومه شمسی» ادامه ی چاپ کتاب را به عهده گرفت و با همین توزیع کجدار و مریزش توانست مخاطبان خوبی برای کتاب دست یابا کند. اما بعد از منتخب شدن کتاب در هفدهمین دوره ی انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس، دیگر سیاق قبلی پاسخگوی انتظارات مخاطبان و علاقه مندان کتاب نبود. ناگزیر شدیم که دوباره عرووش کنیم! خواستگاران زیادی آمدند و رفتند. دست آخر، مؤسسه ی فرهنگی «شهید کاظمی» را به جهت سبقه ی کار جهادی و حرفه ای خوبی

که در زمینه‌ی نشر و توزیع کتاب‌هایی از این دست داشتند، انتخاب کردیم. دستی به سروروی کتاب کشیدیم، دوباره خریدارانه نگاهش کردیم، اشکالاتی را که در این چند سال خوانندگان تیزبین کتاب مطرح کرده بودند، برطرف کردیم و با سلام و صلوات بدرقه‌اش کردیم. باشد که خانه‌ی جدید، سکوی پرتاب خوبی برایش باشد و بنشیند به جان مخاطبانی که ای کاش اگر جایی پای تفکر و تصمیمشان خیس شد، ما را هم از دعا بی نصیب نگذارند!

فائضه غفارحدادی

مهر ۱۳۹۷